

جستاری در جامعیت مقاله‌های دائرة المعارف قرآن کریم

مقدمه

از مشخصه‌های اصلی کتاب‌های پربرج و مرجع که با نام دائرة المعارف شناخته می‌شود، توجه و ثبت تمام مطالب و اطلاعاتی است که بر محور موضوع اصلی مقاله یا کتاب وجود دارد. و از موارد هماهنگی و شباهت تعریف علمی عنوان کتاب با محتوای آن همگونی نام دائرة المعارف با محتوای کتاب و مطالب آن است؛ چه اینکه در تعریف دائرة المعارف گفته‌اند: «دائرة المعارف، حاوی العلوم، کتابی حاوی مجموع معارف انسانی، فرهنگ فنون و علوم، خلاصه قابل فهمی از معارف بشری.» (دهخدا، ج ۶، ص ۸۹۷۶)

در نظر کارشناسان و صاحب نظران، اعتبار و اتقان مطالب و دانش‌های گردآوری شده، نقش به‌سزایی در منزلت و جایگاه دائرة المعارف‌ها و دانشنامه‌ها دارد. بهره‌گیری از منابع دست اول، پرهیز از ثبت اطلاعات عمومی و غیر تخصصی، از شاخص‌های تعیین‌کننده در مراتب اعتبار و سطح علمی مقالات است. از نظر

* پژوهشگر مرکز فرهنگ و معارف قرآن.



جذابیت و مطلوبیت در منظر مخاطب، فراگیری و جامعیت محتوا، اصل غیرقابل اغماض نوشتارها در منابع و متون مادر و مرجع می‌باشد.

تنزل سطح علمی مطالب، بهره‌گیری از منابع غیرمعتبر و گزارش‌های گزینشی و محدود، آفات و آسیب‌هایی هستند که به برخی کتاب‌های مرجع وارد شده است. از سوی دیگر گسترش نشر آثار مکتوب و نوشتاری در حوزه دین پژوهی، ارائه اطلاعات جامع و دوری از انتخاب مطالب را ضروری می‌کند.

در دائرةالمعارف‌های تخصصی، فراگیری و جامعیت از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

قرآن کریم در طرح و تبیین موضوعات، جامعیت و همه‌جانبه‌گرایی علمی را به نحو شگفت‌آوری مورد توجه قرار داده است.

موضوع انسان در قرآن از خلقت و موارد خلقت تا چگونگی خلقت، مراحل آن، ترکیب صورت‌گری، دمیدن روح، کمال، ویژگی‌ها و امتیازات، ضعف‌ها، کاستی‌ها، گرایش‌ها و رویکردها، دشمنان، نمونه‌هایی از ابعاد موضوع انسان است که در کنار دیگر محورها و ابعاد مورد تبیین قرار گرفته است.

موضوع امت‌ها و اقوام پیشین، رسالت، آیات خدا، ایمان و کفر، نمونه‌های دیگری است که در قرآن با توجه به ابعاد مختلف، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بیان موجبات و زمینه‌های پاداش در کنار بسترها و عوامل کيفر، تقارن آیات پاداش و کيفر، اشاره به پیوستگی تاریخی جوامع و ملت‌ها، بیان سنت‌های اجتماعی و پیوند سرگذشت امت‌ها به یکدیگر، وحدت مسئولیت پیامبران در بشارت و انذار ملت‌ها و امت‌ها، نمونه‌هایی دیگر از جامع‌نگری آیات وحی به موضوعات و مسائل مختلف است.

دائرةالمعارف موضوعات و معارف قرآن باید با الگوپذیری از روش قرآن‌مبین با گزارش از همه ابعاد و محورهای علمی، نوشتارها را غنا بخشیده، از اعمال سلیقه‌های ذوقی و فردی و ثبت‌گزینش مطالب دوری گزینند.

این نوشتار با اقتباس از اسلوب بیانی قرآن در جامع‌نگری به موضوعات، به انگیزه جستاری در جامعیت مقاله‌های دائرةالمعارف قرآن کریم نگارش یافته است.

موارد بررسی

- فراگیری محتوای مقالات نسبت به معارف موجود در قرآن؛
- توجه علمی به روابط موضوعات در مفهوم و مصداق و ثبت آنها در مقالات؛
- جامعیت و توازن گرایش‌های علمی در محتوا؛
- همه‌جانبه‌گرایی گزارش‌ها و مستندها.

۱. فراگیری محتوا

ارائه اطلاعات در موضوع آدم در قرآن کریم، شامل ابعاد متنوع و گسترده‌ای است؛ از جمله:

خلقت آدم، مواد خلقت آدم،^۱ دوران خلقت، (نطفه، علقه، مضغه، عظام، کساء لحم)، دوره تحول (دمیدن روح، صورت‌گری، تسویه، سجده ملائکه و تعلیم اسما)

آدم

موضوع «آدم» در قرآن مجید از موضوعات پرآیه و دامنه‌به‌شمار می‌رود. زوایای متعدّد آفرینش آدم تا خلافت، تعلیم اسما، سجده ملائکه، ورود به بهشت، درخت ممنوعه، عصیان آدم، هبوط آدم، توبه، نبوت، بخشی از ابعاد و مطالبی است که در قرآن مجید بیان شده است. (دائرةالمعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۲۴ - ۱۵۰)

مقاله آدم با عنوان‌های فرعی متنوع و گزارش محوری علمی و مستند تحریر یافته است. با اینکه مقاله به خوبی از منابع دست‌اول بهره‌گرفته و بسیاری از ابعاد موضوع را مورد توجه قرار داده است، اما با سنجش در برابر مطالب طرح شده در آیات کاستی‌های قابل توجه دارد.

در گزارش مواد آفرینش آدم، خلقت از گل (سجده ۳۲) خاک (آل عمران ۳)،

۱. تراب: ۵۹/۳، ۳۷/۱۸، ۵/۲۲، ۲۰/۳۰؛ طین: ۲/۶، ۱۲/۷، ۱۷/۱۷، ۶۱/۲۳، ۱۲/۲۳؛ حما

مسنون: ۲۶/۱۵ و ۲۸؛ صلصال: ۱۵/۲۶، ۲۸/۳۳؛ فخار: ۱۴/۵۵.



گل چسبنده (صافات / ۳۷)، گل خشک (حجر / ۱۵)، عصاره گل (مؤمنون / ۲۳) و گل سیاه و بدبو (حجر / ۱۵) تنها به ترجمه بسنده شده است و اثری از ثبت دیدگاه‌های تفسیری در تفاوت و تنوع عنوان‌ها وجود ندارد.

تردید نیست که بیان این عنوان‌ها با وجود اعجاز ایجازی قرآن، تنها تنوع بیانی آن مورد نظر نبوده است. فقدان گزارش دیدگاه‌های مفسران نسبت به تفاوت مفهومی، مصداقی این عنوان‌ها و فلسفه تنوع کاربرد آنها، از کاستی‌های مقاله آدم به شمار می‌رود. مسئله برهنگی و پوشش آدم که در آیات مختلف (اعراف / ۲۰ و ۲۲ و طه / ۱۲۰ و ۱۲۱) مطرح شده و از موضوعات مهم مسئله خلقت آدم می‌باشد، از دیگر کاستی‌های نوشتار مربوط است که جامعیت مقاله را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

آسانی

مقاله «آسانی» با بیش از ده صفحه با غلبه گرایش فقهی - کلامی انجام یافته است. محتوای این نوشتار با توضیح ترجمه گونه معانی آیه‌های مربوط شکل گرفته است. مطالب موضوع با نگرش خاص فقهی و کلامی، تمام ابعاد موضوع نیست و با ساختار مقالات دائرةالمعارف ناسازگار است.

جایگاه دائرةالمعارف قرآن، اقتضا می‌کند که ثبت اطلاعات از همه جهات و فراتر از توجه به ترجمه آیات همراه باشد.

موضوع آسانی با قاعده نفی حرج، رابطه دارد که در مقاله مورد کاوش و گزارش قرار نگرفته است.

از دیگر اقتضات کتاب‌های مرجع، ثبت مستندات گزارش‌های علمی است. مؤلف محترم مقاله آسانی، به مطالبی اشاره فرموده‌اند که جای مستندات آن در مقاله خالی است و ذیل عنوان آسان‌گیری خدا در محاسبه و مؤاخذة آمده است: (همان، ص ۳۲۳) الف. قبول توبه گناه کاران؛ ب. تکفیر گناهان؛ ج. چشم پوشی از کفر گذشته؛ د. شفاعت.

آیا این آثار و پیامدها برای آسان‌گیری در منابع تفسیری آمده است؟ چرا مستند

ثبت نشده است؟ و اگر برداشت و دیدگاه تفسیری مؤلف محترم است، برخلاف اقتضائات دائرة المعارف قرآن می‌باشد. و آیا تنها همین موارد از موارد آسان‌گیری خداوند در محاسبه و مؤاخذة است؟

استحباب

این نوشتار در چند پاراگراف بارویکرد کلی به موضوع، آغاز و پایان یافته است. در اولین پاراگراف آمده است: «استحباب، مصدر و در لغت به معنای برگزیدن چیزی است و در اصطلاح فقه یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است.» کلی‌نگری در نوشتار استحباب، جایگزین گزارش محوری کامل لازم در مقالات شده است. گزارش علمی از اصطلاحات تخصصی (متناسب با کتاب مرجع) توجه به مباحث خاص را می‌طلبد؛ مانند ملاک حمل اوامر در آیات الاحکام بر استحباب، به‌ویژه در مسائل اخلاقی.

ذکر موارد پرشمار آیات الاحکام که با وجود قراین لفظی و غیرلفظی بر استحباب فعل و عملی دلالت دارد، از اولویت‌های نوشتار استحباب می‌باشد، که مقاله به این موارد نپرداخته است.

انتظار مخاطب و مراجعه‌کننده به دائرة المعارف قرآن، در موضوعاتی مانند استحباب، غنا و جامع‌نگری است، اما مقاله موجود در حجم محدود و خالی از مباحث قابل توجهی در آیات و موارد استحباب است.

آیات الاحکام

نوشتار سه صفحه‌ای آیات الاحکام از جهت امتیازات و کاستی‌ها، مشترکات خاصی با مقاله استحباب (همان، ج ۳، ص ۳۸-۴۰) دارد. آنچه در مقاله آیات الاحکام آمده است در واقع به منزله مقدمه و درآمدی است بر مقاله تحقیقی - گزارشی آیات الاحکام، متناسب با دائرة المعارف قرآن که ذی‌المقدمه آن ثبت نشده است. وجود حدود پانصد آیه در قرآن با عنوان شناخته شده آیات الاحکام، زمینه

و بستر مناسبی است برای تحریر مقاله ای کامل و فراگیر در دیدگاه های فقهی حقوقی در زبان و فرهنگ قرآن. این حجم از آیات قرآن در بایدها و نبایدها در اعمال و رفتار انسان که در موضوع و گرایش دیگر وجود ندارد، نوشتار جامع تر و کامل تری را می طلبد.

نکته دیگر، فقدان گزارش طبقه بندی آیات فقهی و محتوای شناسی آیات فقه و حقوق است؛ در حالی که گزارش تاریخی کتاب شناسی آیات فقهی آمده است. مقاله بیشتر به گزارش بیرونی از آیات فقهی قرآن پرداخته و به اطلاعات درونی آیه ها در زمینه فقهی احکام قرآن توجه نشده است؛ مطالبی که جست و جوگر دائرة المعارف قرآن، بیشتر در پی آنها است.

اجتهاد

مقاله پانزده صفحه ای اجتهاد، برخوردار از مطالب مبسوطی است؛ از مقدمات اجتهاد، تا وجوب اجتهاد، حجیت فتوا و منابع اجتهاد. صبغه و گرایش اصول فقه در مقاله، صبغه قرآنی مقاله را کم رنگ کرده است؛ به نحوی که چنانچه مقاله به صورت مستقل انتشار یابد، تصور قرآنی بودن مقاله احتمالی بسیار دور از ذهن می نماید و ارتباط آن با اجتهاد در قرآن، بدون ضمیمه مطالب ذهنی امری دشوار است.

انذار و بشارت

انذار و بشارت از مجموعه اهداف رسالت پیامبران است که در آیه های قرآن مورد تصریح قرار گرفته است. هماهنگی و تقارن انذار با بشارت در مسئولیت انبیا، محتوای بیش از صد آیه قرآن را شامل می شود. این دو موضوع در حوزه های دانش کلام، فقه و حقوق، انسان شناسی مورد توجه علمی است.

در مقاله انذار، از سنت الهی انذار، (بقره/۲۱۳) عمومیت انذار نسبت به انبیاء، (انعام/۴۸، کهف//۵۶) فلسفه انذار (نساء/۱۶۵) و کارکردهای انذار (بقره/۲۱۳) سخنی نیست و به رابطه رسالت با بشارت و انذار توجه نشده و مراحل انذار، به پیامبر (ص) محدود شده است.

مقاله بشارت فراگیری بیشتری در سنجش با مقاله انذار دارد؛ با وجود این به مباحثی مانند رتبه و جایگاه بشارت در پیام‌رسانی، اثرگذاری بشارت، تنوع بشارت توجه نشده است.

۲. توجه علمی به روابط موضوعات در مفهوم و مصداق

موضوعات طرح شده در قرآن کریم، عموماً با بیان روابط موضوعی همراه است. بیان و ثبت روابط مفهومی و مصداقی موضوعات قرآنی و مستندات آنها از لوازم جامعیت مقالات می‌باشد.

عنوان‌هایی مانند انسان، آدم، بنی آدم، بشر و ناس بدون تردید برخوردار از ارتباطی مفهومی - مصداقی اند.

عنوان‌های رؤیت، نظر، بصر و بصیرت، نمونه‌های دیگر موضوعات مرتبط، از جهت مفهوم و مصداق می‌باشند. مرجع بودن کتاب‌هایی مانند دائرةالمعارف، می‌تبلد مقالات مندرج در آنها به این نوع روابط مفهومی و مصداقی نیز توجه کنند.

انسان

مقاله با نمادی ادبی از گرایش اولیه نویسنده حکایت می‌کند. بر ایند ملک و ملکوت، آفرینش ملکی و آفرینش ملکوتی، عنوان‌هایی است که در مقاله با برجستگی خاصی آمده است.

نگارش علمی در مسیر طبیعی گرایش عام عنوان، فضای مقالات دانش‌نامه‌های تخصصی می‌باشد. توجه و ثبت گرایش‌ها و یا برداشت‌های خاص علمی از موضوعی، هماهنگ با گرایش‌های دیگر با رعایت فراگیری ابعاد و توازن در گرایش‌های کلامی، عرفانی، تفسیری مطلوب است.

غلبه گرایش عرفانی مقاله انسان، به حدی است که موضوعات اولیه خلقت انسان و مراحل خلقت انسان هم مورد اشاره قرار نگرفته است.

ناهماهنگی در بخش پایانی مقاله، به‌ویژه در عنوان‌های انسان در برزخ (ص ۴۹۸)



انسان در قیامت (ص ۴۹۹)، برجسته‌تر است.

در عنوان «انسان در برزخ» آمده است: «فاصله میان مرگ تا قیامت کبر را برزخ نامیده‌اند. برزخیان نه اهل دنیایند و نه آخرت. قرآن کریم در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به صراحت از عالم برزخ نام برده است.» اطلاعاتی این گونه در مدخل و موضوع انسان چه رابطه‌ای با گزارش محوری موضوع انسان در قرآن دارد. البته می‌توان برای آن رابطه‌ای یافت؛ اما چنانچه موضوعات در این محورها به یکدیگر مرتبط شوند، تمام موضوعات را می‌توان با انسان مرتبط دانست؛ از موضوع خداوند که خالق انسان است و جهان آفرینش که ظرف وجود و ظهور و بروز او است و همه پدیده‌های جهان که به نوعی با انسان ارتباط ایجاد می‌نمایند!

مقاله انسان به رغم توجه به این نوع مطالب، به موضوعات اصلی که آیات به آن تصریح کرده‌اند، توجه ندارد؛ موضوعاتی مانند فقر ذاتی انسان: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ...* (فاطر/ ۱۵)؛ حرکت و سیر هدف‌مند انسان: *يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ* (انشقاق/ ۶) و طغیان‌گری انسان: *... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي* (علق/ ۶-۱).

آرامش

در مقاله آرامش، مؤلف محترم، آرامش را با جداسازی از مقوله امنیت، با جهت‌گیری فردی و اجتماعی گزارش کرده است و می‌نویسد: «آرامش در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است. در این مقاله به بعد فردی آن توجه شده است و بعد اجتماعی آن را به مقاله امنیت واگذاشته‌ایم.» (دائرة المعارف، ج ۱، ص ۱۵۴)

درباره امنیت آمده است: «... از نظر قرآن، امنیت مفهومی وسیع و فراگیر است، افزون بر موارد ایمنی از عذاب الهی، آخرت در دو سطح روان‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است.»

مقاله آرامش، بعد اجتماعی آرامش را امنیت می‌داند. در این دیدگاه آرامش اجتماعی جنبه روان‌شناختی ندارد و مترادف با امنیت است. روشن نیست این تحلیل

علمی نویسنده است یا گزارش معناشناختی از دو عنوان؟ چنانچه تحلیل علمی است، تناسب آن با مقالات دائرةالمعارف روشن نیست و اگر گزارش علمی است، مستند آن ذکر نشده است.

مقاله امنیت، امنیت را مفهومی وسیع و فراگیر می‌داند [که] نخست به آرامش روحی افراد و کسب مدارج معنوی آنان ارتباط می‌یابد که از حوزه اصطلاحی امنیت در علوم اجتماعی بیرون بوده و به موضوع آرامش و اضطراب در روان‌شناسی ارتباط دارد. ایجاد ارتباط مفهومی از این نوع، در فضای نوشتارهای عمومی، مطلوبیت دارد و پذیرفتنی است. اما در جایگاه دائرةالمعارف قرآن، با وجود آیات پرشماری در موضوعات اطمینان، طمأنینه، سکون نفس، امن و سکینه، گزارش‌های تفسیری را هم می‌طلبد.

اضطراب

اطلاعات موضوع اضطراب به آرامش ارجاع شده است؛ در حالی که در مقاله آرامش اشاره موضوعی به اضطراب و مطالب آن دیده نمی‌شود. در نتیجه مقاله آرامش از جهت اطلاعات مربوط به اضطراب هم دچار کاستی است.

استبداد

در این مقاله تصریح شده است که این عنوان و اصطلاح در قرآن به کار نرفته است، ولی با توجه به ویژگی‌های آن می‌توان از واژه «علو» و «جباریت» مفهوم استبداد را استفاده کرد.

واژه استبداد در علوم سیاسی به سلطه فرد یا گروهی در یک نظام و حکومت و تصرف در حقوق مردم بدون لحاظ قانون و نظر زبردستان و بدون ترس از بازخواست گفته می‌شود. (فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲) تحقیق معناشناختی واژگان «علو» و «جباریت» در مقاله وجود ندارد. همچنین در تطبیق مفهومی و یا مصداقی استبداد با واژگان یاد شده، از گزارش علمی غفلت شده است.

نوعی ذهن‌گرایی در مقاله استبداد و مجموعه مقالات مربوط به مدخل‌های

علوم انسانی دیده می‌شود.

مقالات آزادی، استثمار، انحصارطلبی و اقتصاد از جهت معناشناختی کاستی دارد و از جهت برابر نمودن و ایجاد هماهنگی اطلاعات آیات قرآن با معنا و مراد از آنان، در این مقالات گزارش علمی مستند وجود ندارد. جمع‌آوری مطالب فهرست‌گونه، گزارش علمی را تحت الشعاع قرار داده است.

اصطلاحات علمی که در چهارچوب خاص در علوم تعریف شده‌اند، با رویکردی فراتر از زبان محاوره و عرف باید مورد توجه و بررسی و تطبیق بر اطلاعات قرار گیرد.

انحصار طلبی

آغاز این مقاله آمده است: «انحصار طلبی: تلاش برای محدود ساختن برخی امتیازات به خویش و نفی آن از دیگران.» (همان، ج ۴، ص ۴۶۰)

بهره‌گیری از موضوع ادعای خدایی فرعون، تهدید فرعون نسبت به موحدان دوران خویش، حسادت برادران یوسف و تلاش برای جذب محبت پدر نسبت به آنان، بخشی از مطالبی است که از آنها استفاده انحصارطلبی شده است. در این استفاده‌ها به تفسیر آیات اشاره نشده و چگونگی تطبیق بر موضوع محور مقاله بدون توصیف مانده است.

واژه انحصار، با کارکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حوزه علوم اجتماعی به صورت اصطلاح درآمده (دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۴۶۲) معنای آن مخصوص بودن کاری یا امری... به کسی یا مؤسسه‌ای است. (همان)

این حوزه معنایی مستند با موارد یاد شده در مقاله چگونه پیوند خورده است مسئله‌ای قابل تأمل است و ارتباط چنین اطلاعاتی با مقالات دائرةالمعارف قرآن در تعریف کتاب مرجع همانند دائرةالمعارف دیده نشده است.

چنان چه حسادت برادران یوسف، ادعای خدایی فرعون موارد قابل استفاده برای انحصارطلبی باشد. از این نوع، موارد دیگری در آیه‌های قرآن وجود دارد که مقاله انحصارطلبی به آنها توجه نکرده است.

۳. جامعیت و توازن گرایش‌های علمی در محتوای مقالات

نوشتار موضوع محور بر مبنای قرآن در قالب دائرةالمعارف، اقتضا دارد که مقدمه از حد ضرورت تجاوز نکند و اصل را بر محتوای قرآنی و بیان متوازن ابعاد مسئله قرار دهد. برخی نوشتارها در اندازه پژوهش‌های موضوعی مستقل با گرایش خاص به انجام رسیده است. در مقاله استجاب (دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۹۲) در ص ۹۲ پاراگراف اول آمده است: «در این مقاله آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته، آیات قرآنی است که در کتاب بیان الاصول برای حجیت استجاب آورده شده است.»

نقل و ثبت برخی از نوشته‌های کتاب اصول فقه در مقاله دائرةالمعارف قرآن، می‌تواند بخشی از محتوای مقاله باشد، نه همه آن.

برهان حدوث و قدم

رویکرد مقاله به متون معتبر دانش فلسفه، تحسین برانگیز و چشم‌نواز است. تقریر برهان، سیر علمی برهان در گرایش‌های کلام و حوزه‌های علمی آن و تأثیرپذیری دانش تفسیر از مباحث و مسائل کلامی نکته برجسته این نوشتار به شمار می‌رود.

البته مقاله «برهان حدوث و قدم» در دائرةالمعارف قرآن، بایسته است با توازن گرایش فلسفی و قرآنی همراه باشد. آنچه توازن مقاله را آسیب رسانده است، غلبه گرایش فلسفی بر گزارش جامع آیات و مطالب قرآنی است.

برهان حرکت

گرایش فلسفی در این مدخل، سرنوشت مقاله «برهان حدوث و قدم» را دارد. گزارش اطلاعات و مطالب قرآنی که مقدمه اثبات برهان حرکت می‌باشند، در پاراگراف نهایی مقاله آمده است. البته این گزارش نسبت به حد مورد انتظار در دائرةالمعارف قرآنی، بسیار محدود می‌باشد و به موارد و آیات محدودی اکتفا شده است. در این مقاله آمده است:



پاره‌ای دیگر از آیات نیز بر نظریه حرکت جوهری تطبیق شده‌اند که از جهت مقدمه قرار گرفتن این نظریه برای برهان حرکت به این بحث مربوط می‌شوند. مهم‌ترین آیات، آیه ۸۸ سوره نمل است که از حرکت ناآشکار کوه‌ها خبر می‌دهد: *وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ*... یا آیاتی که از بازگشت تمام جهان آفرینش به سوی خداوند پرده بر می‌دارد: *وَتَتَطَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ*. (انبیا / ۲۱)

مقاله‌های برهان حدوث و قدم، برهان حرکت و همچنین مقاله برهان صدیقین، کاملاً با فضا و مطالب خاص فلسفی انس گرفته و استفاده از آیات محدود است. غلبه گرایش فلسفی در مقالات برهان حدوث و قدم، برهان حرکت و برهان صدیقین تا آنجا است که اولاً اگر مقالات به صورت مستقل در کتاب‌های فلسفی ارائه شود، گرایش قرآنی آن برجستگی ندارد و ثانیاً چنانچه آیات بازمانده از طرح در مقالات و دیدگاه تفسیری پیرامون آیات محققانه گزارش شوند، نوشتار مستقلی را بر محور عنوان‌ها تشکیل می‌دهند.

۴. همه جانبه‌نگری منابع و متون مستند

تدوین کتاب جامع قرآن محور، از نوع دانشنامه و دائرةالمعارف، بخش مهمی از اعتبار خود را و امداد بهره‌گیری گسترده از منابع و متون دست اول می‌باشد. با توجه به محوریت قرآن در دائرةالمعارف، استفاده از منابع و متون دست اول از یک سو به لحاظ حساسیت استناد مطالب به متن وحی، و از سوی دیگر با توجه به حجم بالای کتاب‌های معتبر تفسیر از اهمیت بالایی برخوردار است. آیات قرآن از نظر برخورداری از ظرفیت معنایی بالا، در گرایش‌های مختلف علمی مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. استفاده از منابع و تفاسیر با گرایش خاص و چشم‌پوشی از دیگر تفاسیر رویکرد مقاله دائرةالمعارف را یک سویه و از جامع‌نگری در گزارش علمی باز می‌دارد. همچنین منبع قرار دادن منابع واسطه و غیرمعتبر نگارش اثر جامع متقن را آسیب می‌رساند.

برخی ملاحظات دیگر

- نقل و حکایت از کتاب‌های آموزشی. (ج ۴، ص ۲۰)
- استفاده از مجلات در منابع مقالات آزادی (ج ۱، ص ۲۰۶)؛ اعجاز قرآن (ج ۳، ص ۵۹۰)؛ اخلاق (ج ۲، ص ۳۸۲).
- منابع و کتاب‌های مرجع در تفسیر آیات قرآن به اندازه‌ای است که نویسنده مقاله قرآنی را از رجوع به منابع واسطه بی‌نیاز می‌سازند.
- استفاده از منابع واسطه، آسیب‌های دیگری - غیر از مخدوش نمودن اتقان و اعتبار بالای محتوا - به همراه دارد و آن ارائه مطالب کم محتوا با عبارات تفصیلی متون واسطه است.
- نگارش اثر جامعی بر محور موضوعات و مفاهیم قرآن کریم با شاکله و ساختاری همانند دائرةالمعارف، تلاش همه‌جانبه و کارشناسانه‌ای می‌طلبد که بدون ذهن‌گرایی در فضاهای خاص علمی، تهیه و تدوین گردد.
- توجه به نیاز زمان و زبان مخاطب، از دیگر بایسته‌ها است که در عصر حاضر پاسخگوی قرآن پژوهان و جست‌وجوگران از معارف و حقایق آیات و حیانی کتاب حکیم می‌باشد.

